نظريه هاى فمينيسمى در جهان و ايران (2)

فاطمه مهدوى

گرايشات فمينيسمى در ايران

ترويج ديدگاه هاى فمينيسمى در ايران به دهه هاى اخير مربوط مى شود, لذا اين ديدگاه هم زمان با برنامه هاى توسعه ى كشور و حركت به سوى صنعتى شدن مبحث زنان, آزادىهاى اجتماعى, فرهنگى, اقتصادى, سياسى و... شكل منسجم ترى يافت. افزايش سطح تحصيلات زنان و حضور گسترده تر آن ها در بازار كار باعث گرديد تا سوالات عديده اى در اذهان آن ها ايجاد شود و اين سوالات عمدتا ناشى از نابرابرى حقوق و امتيازات اجتماعى و اقتصادى آنان با مردان در عرصه هاى مختلف اجتماعى, فرهنگى, اقتصادى و سياسى است و از طرف ديگر ورود ((گاليندوپل)) نماينده ى سازمان ملل در حقوق بشر, براى اولين بار به ايران به روند حركت زنان سرعت بخشيد و باعث شد تا پست جديد ((مشاور زنان)) در نهاد رياست جمهورى تحت عنوان دفتر امور زنان تإسيس گردد. ظهور ديدگاه هاى فمينيستى در ايران با ظهور اين ديدگاه در آثار ادبيات معاصر و برخى از مطبوعات داخلى و نيز ديالوگ هاى طرفداران اين جريان همراه است .

طرف داران فمينيسم در ايران به دو گروه تقسيم مى شوند:

1. فمينيست هاى غرب گرا(غير دينى);

2. فمينيست هاى مذهبى.

گروه اول: فعاليت هاى فمينيسمى خود را بر پايه ى تفكرات فمينيسم غربى بنا كرده اند و اهداف خود را در قالب ساختارهاى اجتماعى, فرهنگى, اخلاقى و سياسى غرب دنبال مى كنند و به دنبال حذف نهاد دين در جامعه هستند. اين گروه راه حل نهايى براى زنان را روش هاى غربى مى دانند و اين طيف را عمدتا نويسندگان دگرانديش تشكيل مى دهند.

گروه دوم: خواهان تجديد نظر در قوانين و نيز ساختار جامعه هستند, آن ها معتقدند كه جامعه ى ايران سال هاست كه تحت تسلط نظام مردسالارى قرار گرفته و لازمه ى اين دگرگونى اصلاح در قوانين و نقطه نظرات جامعه (مردم و مسوولين) است. آنان تغيير اصلاح طلبانه در شرايط و سازمان دهى زنان و مردان را تنها راه رهايى زنان از تبعيض جنسى و جنس دوم بودن مى دانند.

اين گروه كه درون مايه ى مذهبى هم دارند, معتقدند: قوانين و ارزش هاى موجود در جامعه كه بر گرفته از مذهب است با دستورات اسلامى عينيت ندارد و برگرفته از حقانيت مذهبى نيست, لذا اين قوانين بايد اصلاح شوند.

اين گروه از فمينيست ها خواستار برابرى انسان ها و عدالت اجتماعى (بين زن و مرد) بوده و معتقدند: قوانين نيز بايد با تحولات اجتماعى تغيير كند و شامل احكام ثانويه در اسلام شود.

فمينيست هاى مذهبى, خواهان تغيير در قوانين مربوط به حقوق ارث برى, ديه, حق شهادت در محكمه, حضانت طفل, حق طلاق و غيره هستند. آن ها هم چنين خواستار استفاده از امتيازات اجتماعى; مانند حضور در پست هاى سازمانى و مديريتى, دست مزد برابر با مردان در شرايط يكسان كار, حضور در عرصه هاى مختلف و... مى باشند.

اين گروه, به لحاظ ديدگاه ها و خط مشى اصلاح طلبانه به سه دسته تقسيم مى شوند1:

1. فمينيست هاى مذهبى راديكال;

2. فمينيست هاى مذهبى ميانه رو;

3. فمينيست هاى مذهبى محافظه كار.

1.فمينيست هاى مذهبى راديكال

اين گروه به دليل ديدگاه هاى تند خود معتقدند كه شريعت پاسخ گوى تمام سوالات جامعه ى زنان نبوده و برخى از نيازها و سوالات زنان بايد از طريق ديگرى پاسخ داده شود. اين گروه كه بعضا داراى پيش زمينه هاى مذهبى بوده و مدعى دين دارى هستند, تبعيض جنسى زنان را در كشور مربوط به سنت هاى نظام مرد سالارى مى دانند و معتقدند كه قانون گذارى نيز تحت نظام مرد سالارى بنا گرديده است. بر اساس اين ديدگاه تغيير در وضعيت زنان و مظلوميت آنان بدون هيچ گونه توجيهى صرفا در تغيير قوانين مربوط به زنان است و در عمل خواستار افزايش مهارت و فنون زنان براى استقلال كامل و خود اتكايى و عدم وابستگى به مردان مى باشند.

نقطه نظرات اين گروه از فمينيست ها در ايران, به تدريج جنبه ى سياسى يافته و ستم بر زنان و نيز محدوديت هاى اجتماعى آنان را ناشى از ساختار سياسى كشور مى دانند و به دليل وجود زمينه هاى مذهبى و استفاده از مذهب در بيان ديدگاه هاى فمينيستى خطراتى را در بر دارند.

از جمله ى كسانى كه سعى مى كند تا نظرات خود را در اين چارچوب مطرح نمايد, شيرين عبادى است, وى مى گويد:

((به نظر من مهم ترين مسإله براى زنان ما تفكر مردسالارانه ى حاكم بر نظام حقوقى است و همه مى دانيم كه قانون, زبان گوياى حكومت ها است. قوانين ما به شدت ضد زن هستند. تا آن جايى كه حق حيات كه مهم ترين منشإ حقوق انسان است در مورد زن و مرد يكسان نيست; اگر مردى زنى را بكشد, خانواده ى مقتول بايستى چند ميليون هم بابت دست خوش به او بدهند تا بتوانند قاتل را مجازات كنند و... .

مثالى ديگر مى زنم: در قانون قيد شده كه اگر پدر يا جد پدرى, فرزند خودشان را بكشند قصاص ندارند, فقط در صورت شكايت مادر, آن ها به پرداخت ديه و كيفر محكوم مى شوند...))

وى در مجله ى زنان (شماره ى 34) با استناد به قانون اساسى مى گويد:

((...ديه ى قتل زن مسلمان ـ خواه عمدى, خواه غير عمدى ـ نصف ديه ى مرد مسلمان است; يعنى در واقع جان زن نصف جان مرد است, اما داستان به همين جا ختم نمى شود, حتى جان يك زن مى تواند كمتر هم باشد.))

به اعتقاد نشريات خارجى, طرف داران اين ديدگاه على رغم اختلاف نظرهايى كه با فمينيست هاى غرب گراى غير مذهبى دارند, اما به نوعى همبستگى جنسى و تفاهم, جهت فعاليت بيشتر معتقدند.

در نشريه ى ((لوموند ديپلماتيك)) به قلم آزاده كيان آمده است:

((خانم محبوبه اى (عضو هيإت تحريريه ى مجله ى فرزانه) مى گويد: ما مى دانيم كه زنان لاييك در معتقداتشان با ما مشترك نيستند, ولى اين امر هيچ مسإله اى ايجاد نمى كند; زيرا ما براى ارتقاى موقعيت زن فعاليت مى كنيم. ما زنان اسلام گرا اين انديشه را كه تنها وارث انقلاب, ما بوده ايم, رها كرده ايم...و اينك وقوف يافته ايم كه فرقه گرايى ما در سال هاى اول انقلاب به قيمت جدايى تعدادى از زنان صاحب صلاحيت از جرگه ى ما و در نهايت به زيان عموم زنان انجام شده است. حال مى خواهيم اشتباهات خودمان را جبران كنيم... .))

و به نوشته ى اين روزنامه, خانم ((شهلا شركت)) نيز داراى اين عقيده است. او مى گويد:

((ما بايد معتقدات همه ى زنان را محترم بشماريم و با آن با مماشات برخورد كنيم, حتى اگر هم داراى يك فلسفه, يك اعتقاد و يك طرز فكر نباشيم باز مى توانيم و بايد با هم كار كنيم.))

2. فمينيست هاى مذهبى ميانه رو

اين عده از فمينيست ها خواستار حضور زنان در عرصه هاى مختلف ورزشى, مديريتى, ايجاد فرصت هاى شغلى و تحصيلى برابر, عدم تبعيض در ارتقاى شغلى بين مرد و زن, حضور جدى زنان در پست هاى عالى دولتى, تعريف مجدد از حجاب سنتى و اسلامى, كسب مهارت هاى اجتماعى و...مى باشند.

طرف داران اين ديدگاه كه عمدتا در بين اقشار دانشگاهى و تحصيل كرده و دختران جوان رواج يافته, جهت انسجام بيشتر ((گروه ها و سازمان هاى غير دولتى زنان)) را ايجاد كردند و اين سازمان ها به منظور دست يابى به اهداف مورد نظر خود, به دفتر امور زنان رياست جمهورى نزديك شدند (تعدادى از سازمان هاى غير دولتى زنان در سال 1374 جهت شركت در چهارمين كنفرانس جهانى زن در پكن به ابتكار دفتر امور زنان, به چين اعزام گرديدند) و جلسات مشتركى تحت عنوان كارگاه هاى آموزشى با مسووليت دفتر امور زنان تشكيل دادند و آخرين سمينارى كه توسط دفتر امور زنان برگزار گرديده است تحت عنوان ((زن و برنامه ريزى توسعه)) مى باشد.

3. فمينيست هاى مذهبى محافظه كار

نقطه نظرات فمينيست هاى مذهبى محافظه كار بعضا با ديدگاه هاى ميانه روها درباره ى مسايل زنان يكسان است, اما در خط مشى و روش با يكديگر تفاوت هايى دارند و همين تفاوت ها باعث گرديده تا نتوانند نزديكى تشكيلاتى با ميانه روها ايجاد نمايند. گرايشات اين گروه عمدتا برگرفته از طيف راست, يا محافظه كار جامعه است.

اين گروه خواستار تعديل برخى از قوانين و تصويب قوانين معتدل تر درباره ى زنان هستند و بيشتر فعاليت آن ها در رابطه با حقوق زن در خانواده و حمايت هاى قانونى از زن در برابر شوهر, ايجاد تغييراتى در قوانين مربوط به طلاق, مهر, اجرت المثل و نيز قوانينى مربوط به زنان كارمند, با گسترش حضور زنان در محيط كار مى باشد.

طرف داران اين گروه جهت حصول به اهداف فوق با پيگيرى و تلاش مجدانه, زمينه ى تشكيل كميسيون زن و خانواده را در مجلس شوراى اسلامى ايجاد نمودند. اين گروه از فمينيست ها به نقش هاى سنتى زن در جامعه تإكيد مى ورزند.

تئورىها و ديدگاه هاى فمينيستى در آثار ادبيات معاصر ايران در آثارى, مانند زنان بدون مردان, طوبا و معناى شب, خواب زمستانى, خاطره هاى پراكنده و نيز برخى از مطبوعات داخلى, و در قالب شعارهاى اجتماعى استقلال طلبى, بى بندوبارى, آزادى مطلق و برترىطلبى زنانه, مخالفت با ازدواج و نفى نقش همسرى و مادرى و نهايتا تضعيف نهاد خانواده درآمده است.

اغلب قهرمانان اين داستان ها را زنان تشكيل مى دهند كه به شكل افراطى اقداماتى را انجام مى دهند كه برگرفته از همان شعارها و نقطه نظرهاى فمينيستى در غرب است و در اين راستا مردان شخصيت هاى ضد قهرمان را مى سازند و اصولا در اين آثار مردان به عنوان ستمگران تاريخ حيات بشريت, همواره زنان را در اسارت و بردگى خود قرار داده اند.

دو عامل مهم بر آثار ادبى فمينيستى ايران اثر گذارده است كه عبارتند از:

1. تفكرات و ديدگاه هاى فمينيستى معاصر غرب;

2. نهضت ادبى فمينيستى كه عمدتا در كشورهاى اروپايى شكل گرفته است.

شهرنوش پارسى پور در رمان هاى ((زنان بدون مردان)), ((طوبا و معناى شب)) و... اغلب شخصيت هاى محورى را به زنان و دختران داده است. وى در همه ى داستان هايش, به خصوص داستان هايى كه بعد از انقلاب نوشته, به روابط به اصطلاح تاريك و غامض بين مردها و زن ها پرداخته و در پس زمينه ى آثارش به نظام مرد سالارى ناشى از سنت هاى اجتماعى و مذهبى اعتراض مى كند و درگيرى بين شخصيت هايش ـ به نوعى ـ به درگيرى سنت هاى ديرين و اغلب مذهبى مى انجامد و نسخه ى رهايى وى براى زنان ايرانى تقليد نسل امروز از غرب است. در داستان هاى پارسى پور, مناسبت هاى زن و مرد از هم گسيخته و زنان ايرانى به صورت ((بردگان جنسى مردان)) قلمداد مى شوند. شهرنوش پارسى پور در بيان ((طوبا و معناى شب)) در واقع به بن بست رسيدن مذهب در پاسخ گويى به سوالات انسان, خصوصا زنان را به تصوير مى كشد و بيش از همه بر ضرورت استقلال زنان و آزادى از قيد و بندهاى مذهبى و سنت هاى جامعه تإكيد مى كند.

در داستان هاى ((خواب زمستانى)) و ((خاطره هاى پراكنده)) نوشته ى گلى ترقى, شخصيت هاى مرد و زن, به طور جداگانه مورد بررسى قرار مى گيرند و شخصيت هاى مردانه, ناتوان, غافل, ضعيف, احمق و پليد, سرخورده, ضد قهرمان و... جلوه مى كنند و در مقابل, زنان عاقل و انديشمند و با احساس مى باشند كه در طول تاريخ تحت سلطه ى نظام مردسالارى بوده اند و همواره مردان به دليل نظام حاكم بر جامعه با بى لياقتى و با استفاده از خشونت ((بر زنان حكومت)) كرده اند.

مهشيد اميرشاهى در ((باران و تنهايى)) جلوه ى ديگرى از فمينيسم را ارايه مى دهد. در اين رمان زنى منتظر است تا شوهرش برگردد و او را از تنهايى نجات دهد, اما در پايان داستان, سگ باران خورده اى از راه مى رسد و خلإ فقدان شوهر را پر مى كند. بدين ترتيب مرد را در برابر سگ با يك ارزش مساوى به تصوير در مىآورد.

اين نوع آثار, ايجاد كننده ى نوعى تضاد و تعارض جنس مرد و زن مى باشد و خاصيت بر هم زنندگى تعادل و آرامش خانواده و جامعه را دارد.

ديدگاه هاى فمينيستى, هم چنين در مطبوعات غيرخودى اهميت پيدا كرد و عمده ى محورهاى فمينيستى در اين گونه نشريات, راه حل هاى غربى جهت رهايى زن, مظلوميت تضييع حقوق زنان, ارايه ى خط مشى جريانات زن گرا, جريان سازى, انتساب نظام مردسالارى به ارزش هاى اسلامى, تعريف ديگرى از خانواده و نقش همسرى, مادرى و... بازنگرى در ارزش ها و سنت هاى اسلامى است.

نشريه ى زنان در ميان نشرياتى كه به اين جريان مى پردازند, بيش از سايرين به ارايه ى راه حل هاى غربى اشاره مى كند:

در شماره ى 27 نشريه ى زنان مى خوانيم:

((انطباق با جوامع مدرن مى تواند جامعه را از غلتيدن در دام سنت گرايى افراطى و رفتارهاى ضد اجتماعى حفظ كند...نهضت اسلامى راديكال على رغم برخورد قاطع با دولت در مورد مسايل زنان عميقا محافظه كار است... .))

و در شماره ى 13 آن در طرفداراى از فمينيسم و از طريق ترجمه ى متون خارجى آمده است:

((... سرزنش فمينيسم به خاطر كم بهره كردن زندگى زنان, عدم درك اساسى فمينيسم است كه هدفش كسب طيف گسترده ى تجارب براى زنان است. على رغم تلاش هاى مكرر و موثر براى پوشانيدن لباسى رنگ و روغنى به خواست فمينيسم و عجيب و غريب جلوه دادن هوا دارانش, مفهوم فمينيسم هم چنان ساده باقى مانده است... .))

و در شماره ى 14 با اشاره به فيلم سينمايى ((سارا)) زنى كه بعد از پشت سرگذاردن مشكلات زندگى نهايتا با ترك خانه و همسر, خود را رها مى سازد, مى گويد:

((... او با از دست دادن يك كانون مهم, به كانونى مهم تر دست مى يابد; كانونى كه نيروى سمبليك آن مى تواند نمادى براى هويت يابى و رهايى زنان از قرار دادهاى وضع شده ى جامعه ى سنتى باشد...))

در نشريه ى ((جامعه ى سالم)) شماره ى 24 نيز در نسبت دادن نظام مردسالارى به اسلام آمده است:

((صريح بگويم: در اسلام مرد مسلمان كامل ترين شخصيت حقوقى را در اجتماع دارد و به همين دليل ديه ى كامل نيز به او تعلق مى گيرد و برترى مرد مسلمان در جامعه اسلامى يك واقعيت اجتماعى نيست, يك حقيقت شرعى است... .

...اگر باور دينى بر اين باشد كه مردان از تعقل و نيروى خداداد بيشترى بهره مند هستند, طبيعى است كه اگر بخواهيم يك مرد را در مقابل يك زن قصاص كنيم, خانواده ى مقتوله بايد ما به التفاوت برترى مرد بر زن; يعنى نصف ديه ى انسان كامل را به قاتل بپردازد... .))

((...در عصر جديد كه مقام اجتماعى و نيز خانوادگى زن بهبود يافته و همه جا سخن از برابرى قانونى و اجتماعى زن و مرد است, بعضى از تجدد گرايان تصور مى كنند, قرآن نيز به مساوات زن و مرد قايل است و به نظر ما چنين برداشتى از آيات صحيح نمى باشد.))

در شماره ى 27 ((جامعه ى سالم)) در خصوص ستمگرى جنسى ناشى از تقسيم كار مى خوانيم: ((در كشور ما به موانع زير در زمينه ى اشتغال زنان مى توان اشاره كرد:

1. سنت ها و آداب و رسومى كه تقسيم كار را بر حسب جنسيت تداوم مى بخشد;

2. نگرش مردان و زنان نسبت به كار زنان كه به خصوص در مورد مردان جنبه بازدارنده دارد و از ارزش هاى فرهنگى ناشى مى شود;

3. شرايط اقتصادى ـ اجتماعى جامعه كه سطح رشد و پيشرفت جامعه را نشان مى دهد و معمولا در كشورهاى در حال توسعه نسبت به جوامع پيشرفته كار زنان با دشوارىهاى بيشترى رو به روست;

4. وجود قوانين بازدارنده ى اشتغال زنان; مانند سپردن اختيار كار زنان در دست مردان و نبود حمايت هاى قانونى از كار زنان;

5. كمبود تسهيلات و امكانات شغلى و رفاهى به منظور حفظ و ادامه ى اشتغال آنان در كنار وظايفى كه به عنوان همسر و به ويژه به عنوان مادر بر عهده دارند;

6. تقسيم كار سنتى در خانواده و واگذارى تمامى كارهاى خانه به زنان كه كه عملا اشتغال آنان را با دشوارى و فشار روانى و جسمى فراوان بر آنان روبه رو مى سازد و ضرورت بازنگرى در تقسيم اين كار و... .

اين موانع با يكديگر در ارتباطند و فصل مشترك همه ى آن ها نگرش مبتنى بر مرد سالارى در جامعه ى ماست كه زير بناى همه ى ارزش هاى فرهنگى سنت ها, نگرش ها و قوانين جامعه ى ماست... .))

و آن چه در نشريه ى ضد انقلابى خارج از كشور ((جهان امروز)) مى خوانيم, ارتباط تنگاتنگ فمينيسم داخلى با نظرات خارج از كشور بارز مى شود.

((...جميع تضييقات در قالب قوانين اسلامى, توسط احكام دادگاه ها و مراجع دادرسى در ايران جارى مى گردد و از جمله اين قوانين مى توان به قانون قيموميت, حضانت, قانون اجازه ى ولى در امر نكاح, قانون حق طلاق براى مرد, قانون تعدد زوجات, قانون تابعيت زن از شوهر, قانون ارث, قانون ازدواج موقت, قانون زن و... اشاره كرد.))

((...انجام امور منزل, مراقبت از اطفال, پخت و پز, شست و شو و نظافت, بخش اعظم وقت و انرژى جسمى و فكرى زنان را به خود مى گيرد و مانع پرورش استعداد آنان و عامل بازدارنده اى است در جهت حضور و شركت آنان در زندگى اجتماعى و اين طرز تلقى از تقسيم كار در واقع ناشى از همان فرهنگ مردسالارانه است كه بر فرودستى و تحقير زنان مبتنى است...))

((...دخالت شريعت اسلام در امور حقوقى و قضايى, آموزش و پرورش و كلا در امور مربوط به زندگى اجتماعى, ميزان اسارت و بندگى زنان در جامعه را افزايش داده و موجب تحكيم و تشديد آن شده است ... .))

و بازتاب فعاليت فمينيسم در ايران را در نشريه ى ضد انقلابى ـ خارج از كشورـ ((راه كارگر)) مى خوانيم كه:

((...ما با يك گرايش شديد و استقبال زنان از تشكل هاى ورزشى رو به رو هستيم كه بى ارتباط به روحيه ى فمينيستى غريزى كه امروز در بخشى از زنان ايرانى شكل مى گيرد نيست... .))

((...در چند سال اخير, قشرى از دانشجويان پيشرو دختر, به وجود آمده اند كه حامل نظرات فمينيستى هستند و كار كردن روى مفاهيم نظرى فمينيسم به عنوان موضوع جدى مورد مطالعه مطرح است, تركيب آگاهى فمينيستى پيشروان دانشجويى, راديكاليسم پديدار شده در حركت هاى اخير دانشجويى دانشگاه هاى مختلف, وجود زمينه ى اعتراض در توده ى دانشجويان دختر نسبت به تعرضات رژيم به حقوق زنان كه در حال حاضر بيشتر خود را به صورت مقاومت در مقابل حجاب اجبارى و عليه مزاحمت هاى انجمن هاى اسلامى كه براى رعايت و حفظ شئونات اسلامى صورت مى گيرد, نويد آغاز فصل تازه اى از مبارزه در اين عرصه را مى دهد... .))

و نشريه ى ضد انقلاب ((سيمرغ)) ارايه ى طريق نموده و مى گويد:

((...جنبش زنان ايران مى تواند از مجموعه ى تاريخ مبارزاتى زنان كشورهاى پيشرفته ياد گيرد و با مطالعه و تحقيق گسترده پيرامون مطالعات زنان در كشورهاى صنعتى دانش كسب كند... .))

پى نوشت

1. تذكر: اصطلاحات ((راديكال)), ((ميانه رو)) و ((محافظه كار)) صرفا جهت درك اختلاف بيان شده و اصطلاحا مفاهيم عملياتى مى باشند.